

عنوان، شروع و پایان نوشته

هدف کلی

۱- آشنایی با چگونگی نوشتن عنوان (نام گذاری)، شروع و پایان نوشته‌ها.

اهداف جزئی

- ۱- توانایی رعایت اصول نگارش در نوشتن.
- ۲- مهارت در نگارش آغاز، پایان و عنوان نوشته‌ها.
- ۳- مطالعه‌ی نمونه‌هایی از تنوع شروع نوشته‌ها و پایان بخشی زیبای نوشته‌ها.
- ۴- مهارت در انتخاب و نگارش آغاز و پایان مناسب برای نوشته‌ها.
- ۵- آشنایی با براعت استهلال یا فضا سازی آغاز نوشته.
- ۶- استفاده از راه‌های گوناگون انتخاب عنوان نوشته.

منابع

– کتاب کار و نگارش و انشاء (۲ و ۱) – دکتر حسن ذوالفقاری – اساطیر – چاپ اول – تهران

۱۳۷۵

روش‌های تدریس پیشنهادی

- روش واحد کار
- الگوی همیاری

نکات اساسی درس یازدهم

- بیان اهمیت چگونه آغاز کردن نوشته.
- توضیح فضا سازی مناسب در آغاز هر نوشته.
- شرح اهمیت و دقیق و حساس بودن پایان هر نوشته.

- بیان شیوه‌های گوناگون پایان بخشی نوشته.
- توضیح نام گذاری و عنوان نوشته.
- شرح انتخاب نام و عنوان برای هر نوشته و راه‌های گوناگون آن.

□ در درس نهم، به اهمیت طرح در نوشته‌ها اشاره کردیم و در پی آن با چگونگی نوشتن طرح آشنا شدیم. مواد لازم و مصالح آن در نوشته نیز مورد بررسی قرار گرفت. در این قسمت، در ادامه بحث به اهمیت «چگونه آغاز کردن» نوشته – که بسیار مهم است – و به ذکر نکات ضروری آن می‌پردازیم:

– اگر نوشته‌ی ما با کلمات و جملات مؤثر آغاز شود، تأثیر آن بر خواننده یا شنونده بیشتر خواهد بود.

- آغاز مناسب، به نوشته جهت می‌دهد و آن را منسجم می‌سازد.^۱
- آغاز مناسب نوشته، می‌تواند زمینه ساز سیر آتی آن باشد.
- فضا سازی یا براعت استهلال به نوشته‌ی ما تحرک می‌بخشد و نظر خواننده را جلب کرده در او تأثیر لازم را می‌گذارد.
- شیوه‌ی مناسب برای شروع نوشته، مشکل ادامه و پایان را نیز حل خواهد کرد.
- فضاسازی مناسب در آغاز هر نوشته می‌تواند:
- جذابیت نوشته را بیشتر کند.
- زمینه‌های روحی و روانی مناسب را در خواننده ایجاد کند.
- اصل غافل‌گیری نگارشی را تحقق بخشیده و با این عمل، در خواننده اثر می‌گذارد.
- علاوه بر شروع مناسب، ادامه‌ی منطقی بحث، عدم تکرار، استفاده از ابزارها و مهارت‌های مناسب نگارش، راه‌های پرورش معانی و . . . می‌تواند تأثیر بخشی نوشته را افزایش دهد.
- اکنون، آغاز دو نوشته را باهم می‌خوانیم و به شیوه‌ی مناسب نگارش آن توجه می‌کنیم:
- « . . . باران هنگامه کرده بود، باد چنگ می‌انداخت و می‌خواست زمین را از جا بکند. درختان کهن به جان یکدیگر افتاده بودند. از جنگل صدای شیون زنی که زجر می‌کشید می‌آمد. غرّش باد آوازهای خاموش را افسار گسیخته کرده بود و رشته‌های باران آسمان تیره را به زمین گل آلود می‌دوخت. نهرها طغیان کرده و آب‌ها از هر طرف جاری بود. . . »
- «گیله مرد – بزرگ علوی»

۱- دکتر حسن ذوالفقاری – کتاب کار نگارش و انشاء (۱ و ۲)

« . . . بدیش این بود که گلدسته‌های مسجد بدجوری هوس بالارفتن را به کلّی آدم می‌زد. »
 « ما هیچ کدام کاری به کار گلدسته‌ها نداشتیم اما نمی‌دانم چرا مدام توی چشممان بودند. »
 « توی کلاس که نشست بودی و مشق می‌کردی، یا توی حیاط که بازی می‌کردی مدیر مدام پای می‌شد و هی داد می‌زد که: آگه آفتاب می‌خوای این ور، آگه سایه می‌خوای اون ور. . . . »
 «گلدسته‌ها و فلک – جلال آل احمد»

● نگارش پایان هر نوشته نیز به اندازه‌ی آغاز کردن آن، مهم، دقیق و حسّاس است. اگر نوشته پایان خوبی داشته باشد، یاد و خاطره‌ی آن همواره در ذهن خواننده باقی خواهد ماند.
 پایان نوشته باید با شروع آن تناسب زبانی و محتوایی داشته باشد. یگانگی لحن و سبک در آن مورد نظر قرار گیرد. هم آهنگی قالب و طرز ارائه‌ی مفاهیم یک دست باشد.
 در برخی از نوشته‌های سنتی، معمولاً نتیجه‌گیری را خود نویسنده انجام می‌داد و این کار مجاللی برای تأمل و کنش ذهنی خواننده باقی نمی‌گذاشت اما امروزه، نویسندگان مهارت خاصی در پایان بخشی نوشته‌ی خود به کار می‌برند تا خواننده را به درنگ و تلاش ذهنی بیشتری بکشانند.
 ● پایان نوشته، با توجه به مهارت نویسنده و موضوع متن می‌تواند شیوه‌های گوناگون داشته باشد؛ از قبیل:

- ۱- پایان بخشی با یک سؤال، جهت دعوت خواننده به قضاوت و داوری.
- ۲- استفاده از ضرب‌المثل.
- ۳- استفاده از طنز.

□ نام گذاری و عنوان نوشته

پس از تکمیل چهارچوب کلی نوشته، لازم است عنوان مناسبی برای آن انتخاب گردد.
 در این مرحله، نویسنده‌های با ذوق از شیوه‌های گوناگون استفاده می‌کنند و هنرمندی خود را به کار می‌اندازند. انتخاب عنوان مناسب، علاوه بر رعایت زیبایی، باعث جلب توجه خواننده نیز می‌شود.
 عنوانی که برای نوشته انتخاب می‌شود باید رابطه‌ی تام با محتوا و درون مایه‌ی اثر داشته باشد به طوری که خواننده پس از اتمام خواندن اثر، رابطه‌ی منطقی نام و محتوا را با شفافیت تمام بپذیرد.
 ● برای انتخاب عنوان و نام گذاری نوشته راه‌های گوناگونی وجود دارد که به برخی از رایج‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

– انتخاب بخشی از آیه‌ی قرآن کریم؛ مانند: «نون والقلم، آل احمد»
 و «تنفّس صبح»، مجموعه‌ی شعر قیصر امین پور که برگرفته از آیه‌ی «والصّبح اذا تنفّس»

است.

- انتخاب بخشی از یک بیت یا مصرع :
 - مانند «پله پله تا ملاقات خدا، عبدالحسین زرین کوب» که بخشی از بیت معروف مولوی :
(از تبّتل تا مقامات فنا / پله پله تا ملاقات خدا) است.
 - متناقض نما (پارادوکس)، «دوزخ اما سرد»، از اخوان ثالث
 - انتخاب یک ضرب المثل مانند : «از ماست که بر ماست، داستانی از جمالزاده»
 - قلب و عکس مانند : «فرهنگ برهنگی، برهنگی فرهنگی از دکتر حدّاد عادل»
 - سؤال : «چه باید کرد؟ از دکتر علی شریعتی . «
- و ...

خلاصه‌ی درس یازدهم

- شروع نوشته و چگونگی آغاز آن، از اهمیت بسیاری برخوردار است.
- با فضا سازی یا براعت استهلال، به نوشته تحرک و جذابیت بیشتری داده می‌شود.
- نگارش پایان هر نوشته، به اندازه‌ی آغاز کردن مناسب آن، مهم، دقیق و حسّاس است.
- در نوشته‌های سنتی معمولاً نتیجه‌گیری به عهده‌ی خود نویسنده بوده در حالی که امروزه این عمل در اغلب موارد به خواننده واگذار می‌شود.
- پایان نوشته، می‌تواند شیوه‌های گوناگون داشته باشد.
- نام گذاری و عنوان نوشته علاوه بر رعایت زیبایی، باعث جلب توجه خواننده نیز می‌شود.
- برای انتخاب عنوان و نام گذاری نوشته، راه‌های گوناگونی وجود دارد.

خلاصه‌ی پیام‌موزیم

- حذف فعل یا بخشی از آن باید طبق ضوابطی انجام گیرد.
- بدون وجود قرینه نمی‌توان فعل یا بخشی از آن را از جمله حذف کرد :
- «معلم وارد کلاس و درس را شروع کرد.»
- در این عبارت، فعل جمله‌ی اوّل بدون قرینه حذف شده که نادرست است.

* پاسخ خودآزمایی‌های درس یازدهم

پاسخ خودآزمایی‌های ۱ تا ۴ به عهده‌ی خود دانش‌آموز است.

۵-

ماضی التزامی	ماضی مستمر	مضارع مستمر
رفته باشی	داشتی می‌رفتی	داری می‌روی
اندیشیده باشی	داشتی می‌اندیشیدی	داری می‌اندیشی
بسته باشم	داشتم می‌بستم	داری می‌بندی
دیده باشد	داشت می‌دید	دارد می‌بیند
گرفته باشد	داشت می‌گرفت	دارد می‌گیرد

۶ - چگونه پیروز شدن خود را به تو خواهیم گفت.

- انبیای الهی در برابر ظالمان قیام کردند و پیام خود را به گوش آن‌ها رسانیدند.

* خودآزمایی‌های نمونه

- ۱- آغاز نوشته اگر مناسب باشد، نوشته را . . . می‌سازد.
 - ۲- وقتی به فراخور محتوای نوشته، زمینه‌های مناسب روانی را در خواننده یا شنونده ایجاد کنیم، به این کار . . . می‌گویند.
 - ۳- شاعران و نویسندگان برای تأثیر گذاری بیشتر، غالباً از عنصر . . . استفاده می‌کنند.
 - ۴- قداماً به فضا سازی آغاز نوشته، . . . می‌گفتند.
 - ۵- به فضا سازی آغاز قصیده . . . می‌گویند.
 - ۶- فضا سازی در آغاز نوشته باعث . . . نوشته می‌شود.
 - ۷- چرا نوشتن در آغاز سخت و دشوار به نظر می‌رسد؟
 - ۸- رعایت چه مواردی باعث می‌شود که نوشته‌ی ما مؤثر باشد؟
 - ۹- فضا سازی چه فایده‌هایی دارد؟
 - ۱۰- حذف فعل در چه شرایطی جایز است؟
 - ۱۱- زمان فعل‌های زیر را بنویسید.
 - شنیده باشند - بسته بودید - دیده‌ای - می‌ماندم - بتواند.
 - ۱۲- نقش کلمات را در جملات زیر معین کنید:
- در افسانه‌های قدیم خوانده‌ایم که یک نفر چشم خود را در مقابل یک جرعه از سرچشمه‌ی

معرفت داد.

ساختمان فعل

اهداف کلی

- ۱- آشنایی بیشتر با گروه فعلی و ویژگی های آن.
- ۲- شناخت فعل از نظر اجزای تشکیل دهنده (ساده، پیشوندی و مرکب).
- ۳- شناخت فعل مرکب و فعل های کمکی.

اهداف جزئی

- ۱- توانایی تشخیص این نکته که فعل جمله ها از نظر ساختمان سه نوع است : ساده، پیشوندی و مرکب.
- ۲- توانایی تشخیص این نکته که فعل ساده آن است که بن مضارع آن ها، یک جزء (تکواژ) باشد.
- ۳- کوچک ترین واحد معنادار زبان را (تکواژ) تعریف کند.
- ۴- طرز ساختن فعل پیشوندی را بیان کند.
- ۵- انواع وندهای صرفی و اشتقاقی را با مثال توضیح دهد.
- ۶- توانایی تشخیص فعل مرکب از افعال ساده و پیشوندی.
- ۷- توانایی تشخیص فعل های کمکی.

منابع

- آموزش زبان فارسی – دکتر مهدی مشکوةالدینی – مجمع علمی آموزش زبان و ادب فارسی – دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی – تهران – خرداد ۷۷ – چاپ اول
- دستور زبان فارسی ۱، دکتر حسن احمدی گیوی – دکتر حسن انوری – انتشارات فاطمی

۱۳۷۰

- دستور زبان فارسی – دکتر پرویز خانلری – نشر بنیاد فرهنگ ایران – چاپ چهارم –

- دستور زبان فارسی - دکتر عبدالرسول خیام پور - کتاب فروشی تهران - ۱۳۷۲
- دستور زبان فارسی (۱) دکتر وحیدیان و عمرانی - تهران - نشر سمت - ۱۳۷۹ - چاپ اول
- توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی - دکتر محمد رضا باطنی - تهران - امیر کبیر - ۱۳۷۰ چاپ چهارم

روش‌های تدریس پیشنهادی

- الگوی همیاری
- الگوی دریافت مفهوم
- روش واحد کار

نکات اساسی درس دوازدهم

- بیان دیدگاه‌های برخی دستور نویسان و زبان شناسان در مورد ساختمان فعل.
- بیان تشریحی ساختمان فعل از نظر اجزای تشکیل دهنده‌ی آن.
- توضیح ساختمان فعل ساده، پیشوندی و مرکب.
- راه‌های تشخیص فعل مرکب.
- فعل کمکی.

فعل

□ برای آشنایی هر چه بیشتر با ساختمان فعل، نخست خلاصه‌ای از دیدگاه‌های برخی از دستورنویسان و زبان شناسان را می‌آوریم.

دکتر محمد رضا باطنی در «توصیف ساختمان زبان فارسی»، فصل ششم این کتاب را به «ساختمان گروه فعلی» اختصاص داده که برای جلوگیری از طولانی شدن مطلب، در این جا ذکری به میان نمی‌آوریم و همکاران محترم را به مطالعه‌ی دیدگاه‌های این دستور نویس، دعوت می‌نماییم. (فصل ششم، ص ۱۱۰)

● «بعضی فعل‌های فارسی، تنها از یک ماده ساخته شده است، یعنی دارای اجزای جداگانه نیست که بتوان بعضی^۱ از آن‌ها را جای دیگر به کار برد؛ مانند آمدن - بستن - افروختن - این گونه

فعل‌ها را ساده می‌گوییم.

اما بعضی فعل‌ها از یک ماده‌ی اصلی با یک جزء پیوندی ساخته شده است که همیشه پیش از فعل می‌آید و معنی آن از معنی فعلی که تنها شامل ماده‌ی اصلی یعنی ساده است، جدا است؛ مثلاً از فعل «آمدن» که ساده است با پیشوندهای گوناگون فعل‌های ذیل ساخته می‌شود: برآمدن - فروآمدن - در آمدن - این گونه فعل‌ها را پیشوندی می‌گوییم. دسته‌ی دیگری از فعل‌های فارسی، از ترکیب یک اسم یا صفت با فعل پدید آمده‌اند اما از مجموع کلمات آن تنها یک معنی بر می‌آید: آرام یافتن - شتاب کردن - این گونه فعل‌ها را مرکب می‌خوانیم. «

«دستور زبان، خانلری، ص ۱۶۸-۱۶۶»

● «فعل را در زبان فارسی، از جهت ساختمان به شش گروه می‌توان تقسیم کرد: فعل‌های ساده، فعل‌های پیشوندی، فعل‌های مرکب، فعل‌های پیشوندی مرکب، عبارت‌های فعلی، فعل‌های لازم یک شخصه.

فعل‌های مرکب، فعل‌هایی هستند که از یک کلمه با یک فعل ساده ساخته می‌شوند و مجموعاً معنی واحدی را می‌رسانند مانند: «تأسف خوردن.» جزء غیر صرفی در این قبیل فعل‌ها در حکم جزء است و از این رو، نقش نحوی در جمله ندارد. اگر جزء غیر صرفی، نقش مشخصی داشته باشد و از مجموع جزء غیر صرفی و صرفی یعنی فعل ساده دو معنی حاصل شود، مجموع آن دو را نمی‌توان فعل مرکب نامید؛ مانند خانه ساختن، که خانه، مفعول است و مجموع آن دو، فعل مرکب نیست. جزء غیر صرفی معمولاً صفت یا اسم یا بن فعل است. «

«دستور زبان فارسی، انوری و احمدی گیوی، ص ۲۸-۲۷»

«فعل کلمه‌ای است که همیشه مسند باشد و به عبارت دیگر دلالت کند بر وقوع یا لوقوع کاری در زمان معینی از سه زمان گذشته، حال، آینده.

فعل مرکب فعلی است متشکل از فعلی بسیط با یک پیشاوند، یا از یک اسم با فعلی در حکم پساوند. به عبارت دیگر فعلی است متشکل از دو لفظ دارای یک مفهوم؛ مثال برای قسم اول: در رفت - باز رفت - فرورفت. برای قسم دوم: سرما خورد و رخ داد.

چنان که دیده می‌شود هر یک از مثال‌های قسم دوم، دارای دو لفظ است که دومی از آن‌ها به منزله‌ی پساوند است برای ساختن فعل، ولی این دو لفظ یک مفهوم بیش ندارد. زیرا مفهوم هر لفظ؛ جداگانه منظور نیست. «

ساختمان فعل^۱

فعل از نظر اجزاء تشکیل دهنده سه نوع است: ساده، پیشوندی، مرکب.
 - فعل ساده آن است که بن مضارع آن تنها یک تکواژ باشد به عبارت دیگر، ملاک ساده بودن فعل، بن مضارع آن است:

فعل	دیده‌ام	رفته بودند	گرفته‌است	آمده‌ایم	می‌نشینید	می‌گریسته‌اند	خندیده بودند
بن مضارع	بین	رو	گیر	آ	نشین	گری	خند

- اگر به اول بعضی از فعل‌های ساده یک «وند» افزوده شود، تبدیل به فعل پیشوندی می‌گردند.
 این قاعده قیاسی نیست.

پیشوند	+ بن ساده	← فعل پیشوندی
باز، بر، در	آمد	باز آمد، برآمد، درآمد
بر، فر	خورد	برخورد، فروخورد
بر، باز	آورد	برآورد، باز آورد
در، فرو	غلطید	درغلطید، فروغلطید
باز، بر	گشت	بازگشت، برگشت

ساختمان فعل‌های پیشوندی

- ۱- فعل‌های پیشوندی با پیشوند «بر»: برگرفتن، برافتادن، برخاستن، برداشتن، برآشفتن، برآوردن، برگرداندن، برانگیختن، برچیدن.
- ۲- با پیشوند «در»: دریافتن، درنوردیدن، درآمدن، دررفتن، درگذشتن، درگرفتن، درماندن، درافتادن، درخواستن، درآوردن، دربردن.
- ۳- با پیشوند «باز»: بازگشتن، بازیافتن، بازداشتن، بازماندن، بازآوردن، بازگرداندن، بازگرفتن، بازآمدن، بازفرستادن.
- ۴- با پیشوند «فرو»: فرورفتن: فروکردن، فرو دادن، فرو بردن، فرو پاشیدن، فروماندن.
- ۵- با پیشوند «وا»: واگذاشتن، واداشتن، واخوردن، واخواستن، وارفتن، وادادن.
- ۶- با پیشوند «ور»: وررفتن، ورآمدن، ورافتادن.
- ۷- با پیشوند «فرا»: فرا گرفتن، فراخواندن.

۱- دستور زبان فارسی (۱) - دکتر وحیدیان و عمرانی - نشر سمت - ۱۳۷۹

۸- با پیشوند «پس»: پس دادن، پس گرفتن، پس افتادن.

تکواژهای «بر، در، باز، فرو، فرا، پس، وا» اگر پیش از فعل ساده بیایند و معنی آن را تغییر دهند یا نه، فعل پیشوندی می‌سازند. گاهی این پیشوندها در معنای فعل ساده تأثیر می‌گذارند و فعلی با معنای جدید می‌سازند؛ مثل: افتادن و برافتادن یا انداختن و برانداختن. اما گاهی هیچ معنای تازه‌ای به فعل ساده نمی‌افزایند؛ مثل: شمردن و برشمردن یا افراشتن و برافراشتن که - اگر چه از نظر تاریخی بار معنایی جدیدی به فعل می‌افزوده‌اند - امروزه تأثیری ندارند؛ یعنی فعل ساده و پیشوندی آن‌ها یک معنا می‌دهد. امروزه دیگر پیشوندهای فعلی، زایا نیستند؛ یعنی فقط با فعل‌هایی به کار می‌روند که قبلاً به کار رفته‌اند. برخی از فعل‌های پیشوندی امروزه به شکل ساده کاربرد ندارند؛ برخاستن.

فعل مرکب: اگر پیش از فعل ساده یا پیشوندی یک یا چند تکواژ مستقل بیاید و با آن ترکیب شود کلمه‌ی حاصل، «فعل مرکب» است؛ حاصل کرد. دریافت کرد. دل بست. گوش داد.

در زبان فارسی بعضی از فعل‌های ساده به دو جزء تجزیه می‌شوند؛ یک جزء نقش مفعولی یا مسندی ... دارد و جزء دیگر، یک فعل عمومی است با معنایی اندک: کوشید = کوشش کرد، خراشید = خراش داد، برآشفتم = برآشفته شد، می‌سزد = سزاوار است، می‌ماند = مانند است. اما مجموع این دو جزء الزاماً فعل مرکب نیست، بلکه مرکب بودن فعل ضوابط دیگری دارد. مثلاً در کوشش کرد، «کوشش» مفعول است:

کوششی بکن	همانند	کنای بیاور
کوششت را بکن	همانند	کتابت را بیاور
کوشش کن	همانند	کتاب بیاور

طرز تشخیص فعل مرکب: وقتی دو کلمه باهم ترکیب می‌شوند، تشکیل یک واحد می‌دهند و دیگر جزء اول گسترش‌پذیر نیست، مثلاً کلمه‌ی رود که اسم ساده است، به تنهایی گسترش‌پذیر است و می‌توان گفت: رود بزرگ، رودی، رودها، رود هیرمند. اما وقتی با کلمه‌ی خانه ترکیب شد، کلمه‌ی مرکب می‌سازد و دیگر نمی‌توان گفت: رود بزرگ خانه، رود هاخانه، رودی خانه، رود شهرخانه، رود هیرمند خانه. همین نکته در مورد فعل مرکب هم صادق است؛ مثلاً می‌گوییم: «سعادت‌ی به من دست داد»، دست داد در این جمله فعل مرکب است و نمی‌توان آن را گسترش داد و گفت: سعادت‌ی به من دستی داد / دست زیاد داد / دستها داد. اما «کوشش کرد» به این دلیل فعل مرکب نیست که می‌توان گفت: کوشش‌ها کرد، کوشش زیادی کرد، کوششی کرد، کوشش خود را کرد. چنان که می‌بینیم کوشش در «کوشش کرد» مفعول است. به عبارت دیگر کوشش کرد مثل «کتاب خرید» است و عقل دارد و وقت دارد. در این جمله‌ها، واژه‌های کوشش، کتاب، عقل و وقت مفعول هستند چه

نشانه‌ی مفعولی «را» بگیرند یا نه (← شناس - ناشناس).

فعل در صورتی مرکب است که :

۱- همکرد^۱ (فعل عمومی) آن با کلمه یا کلمات پیش از خود رابطه‌ی نحوی نداشته باشد ؛ یعنی کلمه‌ی همراه فعل، مفعول، مسند، ... نباشد.

۲- جزء پیش از فعل گسترش‌پذیر نباشد. اگر بتوان جزء پیش از فعل را گسترش داد ؛ یعنی برای آن وابسته‌هایی از قبیل «ی نکره»، «ها»، «تر» یا صفت و مضاف الیه آورد، فعل مرکب نیست ؛ زیرا - چنان که دیدیم - دو واژه که باهم ترکیب می‌شوند، جزء خست آن گسترش‌پذیر نیست ؛ مثلاً واژه‌ی «کار» در جمله‌ی «او کار کرد» گسترش‌پذیر است زیرا می‌توان گفت : کاری کرد، کارها کرد، کار خوبی کرد، کارهایش را کرد، پس «کرد» فعل ساده، و کار در همه‌ی مثال‌هایی که آمد مفعول است.

جمله‌ی او برآشفته شد را می‌توان به صورت او برآشفته‌تر شد به کار برد، پس برآشفته شد فعل مرکب نیست اما در جمله‌ی «او امانت را دریافت کرد» کلمه‌ی «دریافت» را نمی‌توان گسترش داد ؛ مثلاً نمی‌توان گفت : امانت را دریافتی کرد یا امانت را دریافت خوبی کرد، پس «کرد» در این مثال‌ها فعل ساده نیست.

* در فعل مرکب، دو معیار زیر، مورد توجه است :

۱- هر فعل باید دقیقاً در همان جمله و بافتی که به کار رفته در نظر گرفته شود چون در کاربرد دیگر احتمالاً معنایی دیگر خواهد داشت و این دو با وجود شباهت ساختی نباید از یک مقوله تلقی شوند ؛ مثل «داد» که در دو کارکرد زیر یکسان نیست : الف) علی جشنی ترتیب داد. ب) علی ترتیب کارها را داد.

در مثال نخست، ترتیب داد مرکب است چون نمی‌توان گفت : علی جشنی ترتیبی داد / ترتیب‌ها داد / ترتیب درستی داد. اما ترتیب داد خارج از این جمله می‌تواند فعل مرکب نباشد هم چنان که در مثال ب دیدیم.

۲- معیار ساده یا مرکب بودن، کاربرد طبقه‌ی تحصیل کرده در زبان نوشتاری کتاب‌های درسی است.

یعنی ساخت مورد نظر باید عملاً به کار رود و تنها کافی نیست که بگوییم اگر به کار برود، مردم آن را می‌فهمند ؛ مثلاً اگر همان جمله‌ی پیشین به صورت علی جشنی را ترتیب خوبی داد، گفته شود،

۱- همکرد یا فعل عمومی، جزء فعلی فعل مرکب است. یعنی آن قسمت از فعل که در پایان آن، شناسه می‌آید. مثلاً داد

در فعل مرکب رخ داد.

معنای آن فهمیده می‌شود اما عملاً کاربرد ندارد چون جمله‌ی درستی نیست.
تجزیه‌ی فعل به دو یا چند جزء فعل مرکب نمی‌سازد اما بعضی از آن‌ها بتدریج صورت ترکیبی پیدا می‌کنند.

در ساختمان فعل‌های مرکب، عناصر متفاوتی به کار می‌روند که یکی از آن‌ها فعل ساده است
مثل: کردن، یافتن، افتادن، آمدن ...

برخی از فعل‌های مرکب نیز در حقیقت عبارت‌هایی کنایی هستند که امروزه دیگر از نظر ادبی
جزء کنایه‌های غیر زایا (= مرده) محسوب می‌شوند؛ بنابراین فعل‌های مرکب را می‌توان بر این اساس
تقسیم بندی کرد: الف) فعل‌های مرکب با همکرد. ب) فعل‌های مرکب (عبارت‌های کنایی مرده یا
عبارت‌های فعلی). (توجه شود که فعل‌هایی که در زیر می‌آید، بر اساس معیارهای گفته شده، مرکب
هستند یا می‌توانند مرکب باشند.)

الف) فعل‌های مرکب با همکردهای زیر:

✱ توجه: مصدرهای زیر در حکم مثال است. مرکب یا غیرمرکب بودن آن‌ها را باید در جمله
تشخیص داد.

۱- «کردن»: فروگذار کردن، بازگو کردن، عرضه کردن، فراموش کردن، مطرح کردن، حاصل
کردن، اداره کردن، سرازیر کردن، ارزانی کردن، حاصل کردن، دریافت کردن، فراهم کردن، عوض
کردن.

۲- «داشتن»: قرار داشتن، نگاه داشتن، دوست داشتن، پنهان داشتن، وجود داشتن، ارزانی
داشتن، دریافت داشتن، مقرر داشتن.

۳- «آمدن»: پدید آمدن، سر آمدن، فراهم آمدن.

۴- «یافتن»: دست یافتن، انتقال یافتن، انجام یافتن، نجات یافتن، خلاص یافتن، رهایی یافتن،
راه یافتن.

۵- «دادن»: جای دادن، انجام دادن، نجات دادن، ادامه دادن، جلوه دادن، سوق دادن.

۶- «گذاشتن»: کنار گذاشتن، باقی گذاشتن.

۷- «شدن»: بیان شدن، دریافت شدن، انجام شدن، حاصل شدن، شروع شدن، مصرف شدن،
وارد شدن (ضربه‌ای به او وارد شد)، عوض شدن، درک شدن، قبول شدن، فراهم شدن، حساب
شدن.

۸- «ماندن»: باقی ماندن، جا ماندن.

ب) بقیه‌ی فعل‌های مرکب: به حرف آمدن، از اعتبار افتادن، از رونق افتادن، به سرآمدن، برهم

زدن، بر هم خوردن، از سر گرفتن، در بر گرفتن، در نظر گرفتن، بر جای ماندن، از پا افتادن، به دست آوردن، به جریان افتادن، به جریان انداختن، به هدر رفتن، به هدر دادن، ابرو درهم کشیدن، به حساب آوردن، به شمار رفتن، به شمار آوردن، به سر بردن، به صدا آمدن، به تنگ آمدن، به خرج دادن، به وجود آوردن، به گردن گرفتن، دست برداشتن، دست گذاشتن. . . .

تذکر: ناگفته نماند که برخی واژه‌ها که پیش از فعل عمومی می‌آیند، اصولاً خود گسترش‌پذیر نیستند؛ مانند بیدار در بیدار شد. به عبارت دیگر، بیدار در این جمله - گر چه گسترش نمی‌یابد - مسند است. زیرا بیدارتر در برابر بیدار وجود ندارد چون انسان یا خواب است یا بیدار. اما صفت بیدار به معنی آگاه، درجاتی دارد که بر اساس آن معنی می‌توان گفت: این ملت کم‌کم بیدارتر شد. . . .

فعل کمکی: برای ساختن فعل‌های ماضی بعید، ماضی التزامی، ماضی‌های نقلی، ماضی مستمر، مضارع مستمر، آینده و فعل مجهول علاوه بر فعل اصلی از فعل‌های دیگری نیز به شرح زیر، استفاده می‌شود. این فعل‌ها را کمکی می‌خوانیم:

- ۱- بودم، بودی، بود، بودیم، بودید، بودند مثال: رفته بودند (در ماضی بعید)
- ۲- باشم، باشی، باشد، باشیم، باشید، باشند مثال: شاید گفته باشیم (در ماضی التزامی)
- ۳- ام، ای، است، ایم، اید، اند مثال: (در ماضی ساده نقلی)
- ۴- داشتم، داشتی، داشت، داشتیم، داشتید، داشتند مثال: داشتید می‌رفتید (در ماضی مستمر)

- ۵- دارم، داری، دارد، داریم، دارید، دارند مثال: داریم می‌رویم (در مضارع مستمر)
- ۶- خواهم، خواهی، خواهد، خواهیم، خواهید، خواهند مثال: خواهند گفت (در آینده)

فعل کمکی مجهول: («شدن» در همه‌ی زمان‌هایش) شد، می‌شدی، شده است، شده باشند، می‌شوی، خواهند شد مثال: گفته شد، گفته می‌شود، گفته خواهد شد. . . .

فعل‌های کمکی و وندهای «ن»، «می»، «ب» در ساختمان فعل تغییری ایجاد نمی‌کنند؛ چون در همه‌ی فعل‌های ساده، مرکب و پیشوندی می‌آیند؛ بنابراین اگر فعل ساده‌ای این وندها یا فعل‌های کمکی را گرفت باز هم ساده است.

خلاصه‌ی درس دوازدهم

- برخی دستورنویسان ساختمان فعل را به سه صورت (ساده، پیشوندی، مرکب) تقسیم می‌کنند.
- فعل ساده آن است که بن مضارع آن یک جزء (تکواژ) باشد؛ مثل خوابیده است (خواب).
- تکواژ، کوچک‌ترین واحد معنادار زبان است.
- تکواژ گاه کاربرد مستقل دارد (تکواژ آزاد).
- تکواژ گاه کاربرد مستقل ندارد (وند – تکواژ وابسته).
- فعل پیشوندی با «وند» همراه است.
- اگر به اول فعل‌های ساده (وند) افزوده شود، این فعل را پیشوندی می‌گویند؛ مانند برآورد – فرورفت.
- «وند» تکواژی است که معنا و کاربرد مستقل ندارد و دو دسته است. صرفی – اشتقاقی.
- فعل مرکب: اگر پیش از فعل ساده یا پیشوندی یک یا چند تکواژ مستقل بیاید و با آن ترکیب شود، کلمه‌ی حاصل فعل مرکب است.
- هیچ‌گاه فعل ساده یا مرکب را خارج از جمله بررسی و مشخص نمی‌کنیم.
- برای ساختن فعل‌های ماضی بعید، التزامی، نقلی و مستمر و مضارع مستمر و آینده و فعل‌های مجهول از فعل‌های کمکی استفاده می‌شود.

خلاصه‌ی پیام‌وزیم

- هر گاه در یک جمله، دو کلمه با مفهوم یکسان بدون واو عطف به کار رود یکی از آن کلمات، تکراری و زیادی خواهد بود که در اصطلاح به این نوع کاربرد «حشو» می‌گویند.
- سوابق گذشته‌ی شما روشن است. (باید یکی از کلمات سوابق یا گذشته حذف شود.)
- پس بنابراین اگر تلاش کنی موفق می‌شوی (یکی از دو واژه‌ی پس یا بنابراین باید حذف شود.)

* پاسخ خودآزمایی‌های درس دوازدهم

(می‌خواست : ساده)، (برآورد : پیشوندی)، (نمی‌توانست : ساده)، (می‌کشید : ساده)، (بود : ساده)، (کند : ساده)، (کرد : فعل ساده)، (در این جمله واژه‌ی آگاه مسند جمله‌ی چهار جزئی است.)، (گفت : ساده)، (شده‌ای : ساده)، (داری : ساده)، (گفت : ساده)، (گرفته بود : ساده)، (شدم : ساده)، (است : ساده)، (است : ساده)

۲- معلمان، جوانان را از زیان‌های خانمان سوز اعتیاد آگاه می‌کنند.

- دانشمندان چراغ روشن را همیشه فروزان می‌کنند.

- مهتاب، همه جا را روشن کرد.

- مادر غذا را زود حاضر کرد.

۳- (مادر در تربیت این کودک بسیار رنج برد. ساده)

(حمید برای آماده کردن این مقاله زحمت کشید. ساده)

(او گذشته‌ها را فراموش کرد. مرگب)

(این مدرسه از اول مهر باز شده است. ساده)

(کودک از پشت پنجره فریاد می‌زند. ساده)

(احمدی پیش آمد و دفتر خود را به معلم داد. ساده)

(او به سوالات جواب داد. ساده) (معتاد با این عادت زشت، به خود ستم می‌کند. ساده)

۴- دلیلش این است که یکی از دو کلمه‌ای که همراه هستند، تداعی کننده‌ی مفهوم کلمه‌ی

دیگری است و نیازی به طرح هر دو کلمه باهم نیست مگر آن که بین آن‌ها «و» بیاید.

در ترکیب سیرِ گردش کار، کلمه‌ی «سیر»، خود به معنی «گردش» و در ترکیب استارتِ شروع،

«استارت» به معنی شروع کردن است پس در این جمله‌ها «حشو» است.

* خودآزمایی‌های نمونه

۱- فعل از نظر اجزای تشکیل دهنده بر..... نوع است.

۲- فعل «دید» از نظر ساختمان فعل..... است.

۳- فعل ساده آن است که..... آن از یک تکواژ ساخته شده باشد.

۴- تکواژ کوچک‌ترین واحد..... با معنا ساز زبان است.

۵- تکواژ معناساز..... مستقل است.

۶- «کتاب» یک تکواژ..... است.

- ۷- در ساختمان فعل مرکب، همواره تکواژ به کار می‌رود.
- ۸- تکواژ معنی ساز بیشتر در ساختمان فعل به کار می‌رود.
- ۹- فعل مرکب از دو جزء صرفی و تشکیل می‌شود.
- ۱۰- در فعل مرکب کلمه‌ی ماقبل فعل یا جزء صرفی، با فعل رابطه‌ی دارد.
- ۱۱- بهترین ملاک تشخیص فعل مرکب آن است که آن را در بررسی کنیم.
- ۱۲- برای ساختن فعل‌هایی مانند ماضی نقلی و بعید از فعل استفاده می‌کنیم.
- ۱۳- افزودن «وند»‌هایی مثل «ن» و «ب» به اول فعل ساده هیچ تغییری در فعل ایجاد نمی‌کند.

- ۱۴- از مصدر بدون _ ن، ساخته می‌شود.
- ۱۵- در عبارت «سنگ حجر الاسود» واژه‌ی سنگ است.
- ۱۶- برای هر کدام از انواع فعل ساده، پیشوندی و مرکب یک نمونه بنویسید.
- ۱۷- راه‌های تشخیص فعل مرکب را بیان کنید.
- ۱۸- فعل ساده چه تفاوتی با فعل پیشوندی دارد؟
- ۱۹- فرق تکواژ معنادار و تکواژ معناساز چیست؟
- ۲۰- فعل کمکی چند نوع است؟
- ۲۱- در زبان فارسی، بن فعل چند نوع است؟ مثال بزنید.
- ۲۲- جمله‌های زیر را ویرایش کنید:
- من هر روز روزنامه‌های روزانه را می‌خوانم.
 - مدخل ورودی آرامگاه حافظ زیباست.
 - شب لیلة القدر باشکوه و بی‌نظیر است.
 - او در سن بیست سالگی به خدمت سربازی رفت.
- ۲۳- نقش کلمات را در جمله‌های زیر مشخص کنید:
- کودکی بوته‌ی ذرتی را از زمین برآورد.
 - با کوشش فراوان بوته‌ی ذرت را از زمین کند.
 - علی پیشرفت درس‌هایش را مرتباً به خانواده‌اش اطلاع می‌دهد.
 - مادر غذا را زود حاضر کرد.
- ۲۴- در جمله‌های زیر، فعل‌های مرکب را پیدا کنید.
- مقصود از پایدگی، دوام اثر در طول زمان است. اشاره کردیم که شاهکار می‌تواند در طیّ

زمان شیب و فرازهایی داشته باشد اما در هر حال حضور خود را در جامعه‌ای که وابسته به آن است حفظ می‌کند.

آیا رستم می‌تواند دست از جان بشوید تا نه دست در خون اسفندیار شسته باشد و نه رسوایی بند را پذیرفته باشد؟

شاعران زبردست که متاعشان خریدار معتبری دارد، جز این چاره ندارند که هنر خود را در توجیه تملق و خون‌ریزی به کار ببرند.

دریا هر موجش از جنس موج دیگر است، بی آن که هیچ یک به دیگری مانده باشد. بعضی از پادشاهان، شعرا را تا حد رئیس دستگاه تبلیغات یک حکومت جبار پایین می‌آورند. در هند باستان وابستگی سخن با اعتقاد مذهبی مورد قبول تاریخ است. اوّل کسی که در شعر، خود را ستود و در آن بر دیگری مفاخرت کرد، ابلیس بود. با این سخن بهرام گور را از شعر گفتن و جانبداری از شاعران باز می‌دارند. آثار افلاطون بیش از هر متفکر دیگر یونانی از شعر مایه دارد. بد نیست به خویشاوندی دین و ادبیات اشاره کنیم. ادبیات خویشاوندی خود را بادین بیان می‌کند.

«بایدها» و «نبایدها» ی املائی

اهداف کلی

- آشنایی با شیوه‌های درست‌نویسی کلمات املائی.
- هماهنگی و وحدت عمل در رعایت موازین املائی.

اهداف جزئی

- مهارت در کاربرد تشدید و مد
- توانایی تشخیص انواع تنوین و کاربرد درست آن‌ها
- توانایی کاربرد صحیح «ی» میانجی (کوچک یا بزرگ)
- توانایی رعایت فاصله‌ی مناسب بین حرف‌های یک کلمه یا کلمات یک جمله.
- توانایی کاربرد درست «اتصال و انفصال» در کلمات
- توانایی تشخیص کلمات درست از نادرست در املا
- توانایی نوشتن صحیح املائی کلمات

منابع

- دکتر حسین داوودی - راهنمای درس املا و دستور العمل تصحیح آن - انتشارات مدرسه - چاپ اول - تهران ۷۶
- زبان فارسی ۲ - هیأت مؤلفان وزارت آموزش و پرورش - چاپ ۸۰

روش‌های تدریس پیشنهادی

- الگوی همیاری
- روش تقریری

نکات اساسی درس سیزدهم

● آموزش صحیح نشانه‌های خطی (تشدید - تنوین - مدّ - «ی» میانجی -

فاصله - فصل و وصل)

□ در درس هفتم در مورد ضرورت درس املا و جایگاه آن در آموزش دانش‌آموزان بحث کلی به عمل آمد. اینک به بخش‌های دیگری از باید‌ها و نباید‌های املایی مطرح می‌شود.

● **تشدید^۱**: نشانه‌ی تشدید متناسب با تلفظ رسمی و معیار در همه جا باید رعایت شود و بر روی کلماتی که مشدّد نیستند نباید تشدید گذاشته شود. در کلماتی که تشدید میانی دارند گذاشتن آن الزامی است مثل بنا که عدم رعایت آن باعث ابهام در نوع کلمه خواهد بود. بنا (ساختمان)

● در کلماتی که تشدید پایانی دارند، گذاشتن تشدید به شرطی لازم است که پس از حرف مشدّد یک مصوّت بیاید مانند: «حقّ مطلب»؛ علامت تشدید حتماً باید روی حرف مشدّد باشد مثل تحقّق(ص) ← تحقّق(غ)

● **تنوین**: کلماتی که در فارسی دارای تنوین «=» هستند، همواره نقش قیدی دارند. رعایت این تنوین در املا و دست نوشته الزامی است. مثلاً

● **مدّ**: در کلماتی مانند گرمابه و پیشامد و مشابه آن‌ها، از گذاشتن نشانه «مدّ» بر روی آن‌ها پرهیز کرد همچنین در کلماتی مانند خوش آواز - درآمد و مشابه آن‌ها، کاربرد نشانه‌ی (مد) باید تأکید کرد.

قید نکردن نشانه مدّ، در کلماتی مانند مآخذ، الآن و قرآن، باعث ایجاد ابهاماتی در نوشته می‌شود. «قرآن» ممکن است با واحد پول اشتباه شود.

● **«ی» میانجی**: «ی» میانجی (بزرگ یا کوچک) باید در همه جا رعایت شود. مانند خانه‌ی دوست کجاست؟

در کتاب‌های درسی «ی» میانجی بزرگ هر شکل کوچک آن (ء) ترجیح داده شده است؛ چون ممکن است با حرف همزه اشتباه گرفته شود. علاوه بر آن باعث سهولت در گفتار و نوشتار نیز می‌گردد.

● **فاصله**: رعایت نکردن فاصله‌ی مناسب بین حرف‌های یک کلمه یا کلمات یک جمله، در خواندن آن‌ها اشکال ایجاد می‌کند بازنویسی شده است.

● **فصل و وصل**: در کلماتی مانند جناب عالی، بانک ملی، رعایت جدا نویسی ضروری

است. شبستان - شبیخون اگر به صورت شب ستان و شبی خون نوشته شوند نادرست اند. رعایت جدانویسی در مثال هایی مانند گرمی باد و مبارک باد که جزء دوم آن‌ها فعل است ضروری می باشد.

● نشانه‌های [ُ] جزء نشانه‌های خط فارسی هستند. این نشانه‌ها در زنجیره‌ی خط فارسی قرار نگرفته‌اند و به کاربردن آن‌ها رایج نیست و تنها در مواردی که نقش ابهام زدایی دارند، مورد استفاده قرار می گیرند.

فعالیت ۱ صفحه‌ی ۷۵: علاوه بر ی میانجی چند حرف میانجی دیگر را شناسایی و درباره‌ی آن‌ها گفت و گو کنید.

گ : در کلماتی مانند همسایگی - بیچارگان
ک : در کلماتی مانند نیاکان
ج : در کلماتی مانند ساوجی - سبزیجات

خلاصه‌ی درس سیزدهم

— **تشدید:**

- گذاشتن تشدید در کلماتی که تشدید میانی دارند الزامی است مانند فعال
- گذاشتن تشدید در کلماتی که تشدید پایانی دارند به شرطی لازم است که پس از حرف مشدد یک مصوت بیاید؛ مانند فن کشتی
- تشدید باید درست روی حرف مشدد باشد؛ مانند عبدالمطلب

— **تنوین:** کلمات تنوین دار، در فارسی، همواره قید هستند. رعایت آن در املا الزامی است مانند: حتماً

— **مد:** گذاشتن مد در مواردی که نیاز است، الزامی می باشد؛ مانند الآن

— **ی میانجی:** این نشانه باید در همه جا رعایت شود. مثل کارخانه‌ی ذوب آهن

— **فاصله:** فاصله‌ی مناسب بین واژه‌ها باید رعایت شود در غیر این صورت موجب بدخوانی و بدفهمی می شود مانند: او هر روزنامه‌ای را می خواند او هر روز نامه‌ای می خواند.

— رعایت فاصله‌ی بلند بین دو کلمه‌ی مستقل از لازم است مانند آذربایجان

شرقی - حضرت عالی

* پاسخ خودآزمایی‌های درس

- ۱- گذاشتن تشدید در کلماتی که تشدید میانی دارند، لازم است مانند ؛ ارّه - نقّاش.
همچنین گذاشتن تشدید برای کلماتی که «تشدید پایانی» دارند، لازم است ؛ به شرط این که پس از حرف مشدّد یک مصوت باید مانند او سد ساخت (درست) (او سدّ ساخت) (نادرست) برحقّم (درست) برحقم (نادرست)
- ۲- چون ممکن است با حرف همزه اشتباه گرفته شود. علاوه بر آن باعث سهولت در گفتار و نوشتار می‌شود.
- ۳- در خطّ عربی در همه حال باید نوشته شود اما در خطّ فارسی فقط در مواردی باید رعایت شود که نگذاشتن آن ابهام ایجاد کند.

* خودآزمایی‌های نمونه

- الف) با گروه کلمات زیر املا بنویسید.
- مآل اندیش - بیت معمور ادب - مأمور دارایی - آلام و رنج‌ها - دانش آموز بهوش - رفتار بهنجار - به هنجار اولیّه - به نام خدا - شاعر بنام - آرایش صُوری - صُور خیال
- ب) ۱- نشانه ی مخصوص کلمات عربی رایج در فارسی است.
 - ۲- تنوین نصب همیشه باید با کرسی همراه باشد.
 - ۳- در کلماتی مانند مأخذ و الآن باید نشانه ی نوشته شود.
 - ۴- در کلماتی مانند دستاورد و پیشاهنگ به علامت نیاز ندارند.
 - ۵- فاصله ی کوتاه بین دو حرف نشانه ی است.
 - ۶- نشانه های ُ در خطّ فارسی فقط نقش دارند.
 - ۷- کدام گزینه غلط ندارد؟
- ۱- بنای توانا و ماهر ۲- جز صرفی واژگان ۳- بیچاره گان ۴- مرداب

روش تحقیق (۱)

اهداف کلی

- ۱- آشنایی با اصول و روش‌های کلی تحقیق و پژوهش.
- ۲- آشنایی با نحوه‌ی استفاده از امکانات کتاب‌خانه.

اهداف جزئی

- ۱- توانایی دست‌یابی به مراجع و مآخذ و نحوه‌ی استفاده از آن‌ها.
- ۲- توانایی انجام مراحل تحقیق درباره‌ی موضوعات تعیین شده.
- ۳- توانایی انجام مصاحبه درباره‌ی موضوعات مختلف.
- ۴- توانایی استفاده از برگه‌دان در مراجعه به کتاب‌خانه.
- ۵- توانایی استفاده از انواع مختلف برگه در تحقیق.
- ۶- توانایی استفاده از کتاب‌های مرجع.
- ۷- توانایی استفاده از فهرست‌ها و کتاب‌شناسی‌ها.

منابع

- از فن نگارش تا هنر نویسندگی – دکتر حسن احمدی گیوی – وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۷۴.
- کتاب کار و نگارش و انشاء ۱ و ۲ – دکتر حسن ذوالفقاری – انتشارات اساطیر – چاپ اول – تهران ۱۳۷۵.

روش‌های تدریس پیشنهادی

- روش واحد کار
- روش همیاری

نکات اساسی درس چهاردهم

- تعریف پژوهش و توضیح و شرح شیوه‌های آن.
- بیان ویژگی‌های شیوه‌ی مشاهده و روش تحقیق عمومی و تحقیق کتابخانه‌ای.
- شرح و توضیح طریقه‌ی مصاحبه‌ای و پرسشنامه‌ای از روش تحقیق عمومی.
- رعایت نکات ضروری در جریان مطالعه.
- چگونگی استفاده از کتاب‌های مرجع.

□ پژوهش و شیوه‌های آن^۱

پژوهش عبارت است از کشف و دریافت آنچه بر دیگران مجهول است و نیز بر گشودن و گستردن و روشن‌تر ساختن آنچه به اجمال بر دیگران معلوم است. هر پژوهشگری در کار خود به آشنایی با شیوه‌های پژوهش، راه‌های دستیابی به مراجع و مآخذ گوناگون و نحوه‌ی استفاده از آن مراجع و مآخذ نیازمند است. پژوهش در مسائل و زمینه‌های مختلف معمولاً به سه طریق صورت می‌گیرد: الف) مشاهده ب) تحقیق عمومی ج) تحقیق کتابخانه‌ای یا پژوهش از طریق مطالعه.

الف) مشاهده: که در آن، پژوهشگر، مراکز و موارد تحقیق را حضوری مورد بررسی و مشاهده قرار می‌دهد و مخصوص پژوهش و بررسی در مراکزی چون دانشگاه و کارخانه و مانند آن است که در آن، پژوهنده محل و موارد تحقیق را حضوراً مشاهده می‌کند. در این روش پژوهشگر ممکن است بازرسی یا حسابرس باشد که به اقتضای مأموریت از سوی مقام یا سازمانی، در مؤسسه‌ای به بازدید یا واریسی بپردازد و چون در این شیوه کارمندان متوجه حضور بازرسی و پژوهشگر هستند، ممکن است حقایق را قلب یا تحریف کنند و در نتیجه پژوهش و گزارش بازرسی چندان با حقیقت و واقعیت وفق ندهد. از این رو این نوع تحقیق، چندان ارزش علمی و تحقیقی ندارد.

از مهم‌ترین نکاتی که در شیوه‌ی مشاهده باید مورد توجه قرار گیرد، موارد زیر را می‌توان نام

برد:

۱- تمام مشاهدات ثبت شود. ۲- کار مشاهده حتی المقدور گروهی باشد نه فردی؛ یعنی مشاهده به وسیله‌ی یک گروه انجام گیرد نه به وسیله‌ی یک فرد.

ب) روش تحقیق عمومی: این پژوهش به دو طریق انجام می‌گیرد: ۱- مصاحبه ۲- پرسش‌نامه

۱- مصاحبه: در این نوع پژوهش، نکاتی را می‌توان به دست آورد که از طریق کتابخانه و

۱- از فن نگارش تا هنر نویسندگی - دکتر حسن احمدی گیوی

مطالعه به دست نمی‌آید؛ زیرا ضمن مصاحبه مطالبی غیر از آنچه ما می‌دانیم و می‌خواهیم بحث کنیم، پیش می‌آید که گاهی بسیار مفید است. نکاتی که در مصاحبه باید رعایت شود:

۱- قبلاً از مصاحبه شونده وقت ملاقات بگیریم.
۲- علت مصاحبه را برای او بیان کنیم.
۳- نشانی و شماره‌ی تلفن به او بدهیم تا در صورت لزوم و داشتن قصد تغییر وقت مصاحبه، بتواند با ماتماس بگیرد.

۴- درست در ساعت مقرر برای مصاحبه حاضر شویم.

۵- سؤال‌ها را مشخص کرده و نوشته باشیم.

۶- اصرار در پرسش نکنیم.

۷- از نظر وقت، رعایت حال مصاحبه شونده را بکنیم.

۸- به آداب و اخلاق و شخصیت او توجه کنیم و شرط ادب را رعایت نماییم.

۹- در صورت کمی وقت و بسیاری پرسش‌ها، تقاضای تجدید وقت بکنیم.

۱۰- مطالب را متضاد و غلوآمیز یادداشت نکنیم.

۱۱- گفته‌های او را در گزارش خود به میل و سلیقه‌ی خویش تفسیر نکنیم و در بند آوردن نکات جنجالی نباشیم.

۱۲- تشکر کنیم و وعده دهیم که نسخه‌ای از مصاحبه را برایش بفرستیم و به وعده‌ی خود عمل کنیم.

۱۳- نام مصاحبه شونده، سمت او و تاریخ مصاحبه را در فهرست گزارش خود بیاوریم.

پ) روش تحقیق کتاب‌خانه‌ای یا از راه مطالعه: در این روش، پژوهشگر، بررسی و تحقیق خود را از راه مطالعه‌ی مآخذ و مراجع گوناگون انجام می‌دهد. برای دستیابی و مراجعه به مآخذ و منابع مختلف و نحوه‌ی استفاده از آن‌ها باید به نکات زیر توجه داشت.

۱- در همه‌ی کتاب‌خانه‌های معتبر، مشخصات کتاب را روی سه کارت به شرح زیر می‌نویسند:

الف) به نام مؤلف ب) به نام و عنوان کتاب پ) موضوعی.

این کارت‌ها به صورت الفبایی تنظیم شده و به وسیله‌ی هر یک از آن‌ها می‌توان کتاب مورد نظر خود را به دست آورد؛ به عبارت دیگر اگر ما تنها یکی از سه مشخصه‌ی بالا را درباره‌ی کتابی بدانیم، می‌توانیم آن را پیدا کنیم.

مثلاً اگر درباره‌ی کتاب «پله پله تا ملاقات خدا» تنها نام کتاب را بدانیم یا نام مؤلف که آقای دکتر

عبدالحسین زرّین کوب است برای ما معلوم باشد و یا فقط بدانیم که موضوع آن، زندگی و افکار مولوی است می‌توانیم آن کتاب را از روی کارت مربوط به دست بیاوریم.

۲- یکی دیگر از راه‌های استفاده از منابع مختلف در تحقیق، توجه به «فهرست مآخذ» متن مورد مطالعه است؛ بدین معنی که اگر مثلاً در زمینه‌ی «سبک‌های شعر فارسی» تحقیق می‌کنیم و مطالب کتابی که در دست مطالعه است، برای تحقیق ما کافی نیست، می‌توانیم از روی فهرست مآخذ آن، به دیگر متون و منابع، مراجعه و رفع نیاز کنیم.

۳- ارزش هر کتاب یا نوشته‌ی تحقیقی دیگر، بیشتر بر اساس موازین زیر است:

- دقت نویسنده، تازگی مطالب، وسعت و دامنه‌ی بحث و مطالب، اعتبار و شهرت نویسنده، متناسب بودن مطالب کتاب با موضوع تحقیق و گزارش، و معیارهای علمی کتاب نظیر آمار و ارقام و نمودار و داشتن فهرست لازم و

○ در هنگام مطالعه باید به نکات زیر توجه کنیم:^۱

- مطالب مورد نظر را به دقت مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهیم.
- درباره‌ی نکات مهم، بیشتر مطالعه کنیم و اگر موفق به درک و کشف آن‌ها نشویم از کتابدار کمک بگیریم.

- در مسائلی که تردید داریم چند منبع را مقایسه کنیم.
- پیشنهادهایی که در هنگام مطالعه به نظر می‌آید، یادداشت کنیم.
- نکاتی را که درباره‌ی تلخیص و یادداشت برداری ضمن مطالعه توصیه می‌شود، به کار بندیم.

□ اگر کتاب مورد نظر ما از کتاب‌های مرجع باشد باید به موارد زیر توجه کنیم:

- دایرة المعارف‌ها و لغت نامه‌ها و فرهنگ‌ها و نشریات عمومی، از مراجع و منابع مهمی است که در کار پژوهش می‌تواند سودمند افتد. زبان فارسی تا این اواخر فاقد دایرةالمعارف بود. تنها و نخستین دایرةالمعارف به وسیله‌ی گروهی از دانشمندان و پژوهشگران، زیر نظر شادروان دکتر غلامحسین مصاحب در سه جلد نوشته شده که جلد سوم آن اخیراً منتشر شده است.
- لغت نامه‌ی دهخدا که به همت علامه و محقق شهیر، علی اکبر دهخدا بنیاد نهاده شده است.

فرهنگ ارزنده‌ی شش جلدی استاد معین نیز از مراجع مهم به شمار می‌رود. غیر از این‌ها فرهنگ‌های دیگری نیز وجود دارد که در این جا از ذکر نام آن‌ها می‌گذریم.

۱- کتاب کار نگارش و انشاء (۱ و ۲) - دکتر حسن ذوالفقاری

اطلس‌ها و کتاب‌های اطلاعات عمومی هم‌چنین آرشیو روزنامه‌ها و مجلات معتبر، فهرست نامه‌ها، کتاب‌ها و مقالات، اسناد و مدارک رسمی که جزو معتبرترین منابع تحقیق به حساب می‌آیند و جنبه‌ی حقوقی دارند که تحت شماره‌ی مخصوص و تاریخ در جعبه‌های مخصوص نگاه‌داری می‌شوند و کارت ندارند.

«مراجع» در کتاب‌خانه‌ها نگهداری می‌شوند و امانت داده نمی‌شوند.

○ در درس هفدهم با برگه نویسی و یادداشت برداری آشنا خواهیم شد.

خلاصه‌ی درس چهاردهم

- پژوهش عبارت است از کشف و دریافت آنچه بر دیگران مجهول است و نیز برگشودن و گستردن و روشن ساختن آنچه به اجمال بر دیگران معلوم است.
- پژوهش درمسائل و زمینه‌های مختلف به سه طریق مشاهده، تحقیق عمومی و تحقیق کتاب‌خانه‌ای صورت می‌گیرد.
- در روش مشاهده، پژوهشگر، مراکز و موارد تحقیق را حضوری مورد بررسی و مشاهده قرار می‌دهد.
- روش‌های تحقیق هر موضوع متفاوت است.
- روش‌های کلی و عمومی تحقیق از دیدگاه دیگر، عبارتند از: تجربه و آزمایش، مشاهده، پرس و جو، مطالعه.
- کتاب‌خانه یکی از ابزارهای مهم مرجع‌شناسی است.
- در مصاحبه، نکاتی به دست می‌آید که از طریق کتاب‌خانه و مطالعه ممکن نیست.
- در همه‌ی کتاب‌خانه‌های معتبر، مشخصات کتاب را روی سه کارت به شرح زیر می‌نویسند:
 - الف) به نام مؤلف (ب) به نام و عنوان کتاب (ج) موضوعی
- دایرةالمعارف‌ها و لغت‌نامه‌ها و فرهنگ‌ها و نشریات عمومی از مراجع و منابع مهمی است که در کار پژوهش می‌تواند سودمند باشد.
- مراجع در کتاب‌خانه‌ها نگهداری می‌شوند و امانت داده نمی‌شوند.

خلاصه‌ی بیاموزیم

اگر جمله‌ای دارای نهاد باشد و بتوان فعل‌های آن را به صیغه‌ی معلوم به کار برد، بهتر است از به کار بردن فعل به صیغه‌ی مجهول پرهیز کنیم؛ مانند:

گلدان به وسیله‌ی گربه شکسته شد ← گربه گلدان را شکست.

پاسخ سؤالات شیمی در پایان صفحه توسط معلم نوشته شده بود. ← معلم پاسخ سؤالات شیمی را در پایان صفحه نوشته بود.

* پاسخ خودآزمایی‌های درس چهاردهم

- ۱ و ۲- خودآزمایی‌های ۱ و ۲، فعالیت دانش‌آموزی‌اند.
- ۳- بهزاد کتاب را خواهد گرفت. ← کتاب گرفته خواهد شد.
- بهزاد کتاب را خریده بود. ← کتاب خریده شده بود.
- بهزاد کتاب را گرفته بود. ← کتاب گرفته شده بود.
- بهزاد کتاب را گرفته است. ← کتاب گرفته شده است.
- بهزاد کتاب را می‌خرد. ← کتاب خریده می‌شود.
- بهزاد کتاب را می‌دید. ← کتاب دیده می‌شد.
- ۴- ویرایش: تاکنون متفکران ایرانی ابتکارات علمی فراوانی را انجام داده‌اند.

* خودآزمایی‌های نمونه

- ۱- برای آن که پژوهشگر به پاسخ سؤالات خود برسد باید روش‌های درست دست‌یابی به را بداند.
- ۲- در علوم تجربی، بیش از همه از روش استفاده می‌شود.
- ۳- اگر مشاهده به صورت باشد، نتیجه‌ی تحقیق دقیق‌تر خواهد بود.
- ۴- پس از مطالعه‌ی اطلاعات، باید بخش‌های ضروری را در یادداشت کنیم.
- ۵- روش‌های کلی و عمومی تحقیق را نام ببرید.
- ۶- وقتی که با سؤالی مواجه شویم چه می‌کنیم؟
- ۷- روش پرس و جو چه نوع روشی است؟
- ۸- در مصاحبه چه نکاتی باید مراعات شود؟ چهار مورد را بنویسید.
- ۹- در صورتی که به مصاحبه‌شونده دسترسی نداشته باشیم، چه باید بکنیم؟

۱۰- چند نوع برگه در مرجع‌شناسی وجود دارد؟

۱۱- فعل‌های زیر را منفی کنید :

رفتم - خواهم نوشت - خورده شد - بنویس - دارد می‌خرد - داشت می‌زد.

۱۲- وجه جمله‌های زیر را مشخص کنید :

بهزاد کتاب را آورد درباره‌ی یکی از موضوعات دلخواه خود گزارش تهیه کنید.

سعدی شیرازی کتاب گلستان را نوشته است.

شرح حال یک جانباز را بنویسید.

در گذشته به چه کسی سردمدار می‌گفتند؟

ممکن است مشاهده به صورت فردی باشد.

نظام آوایی زبان

اهداف کلی

- ۱- شناخت نظام آوایی زبان.
- ۲- شناخت واج و هجا و جمله.

اهداف جزئی

- ۱- توانایی تشخیص واج، هجا و جمله از یکدیگر.
- ۲- توانایی نشان دادن واج و حروف با علائم خاص.
- ۳- توانایی مقایسه‌ی واج‌ها و حروف الفبا.
- ۴- توانایی تشخیص انواع واج‌های زبان (مصوت و صامت).
- ۵- توانایی بیان این نکته که در زبان فارسی، معمولاً ساخت‌های آوایی دو هجایی به بالا، به کمک یک تکیه نشاندار می‌شوند.
- ۶- توانایی بیان این نکته که جمله از ترکیب ساخت‌های آوایی تک‌هجایی و چند هجایی ساخته می‌شود.

منابع

- آواشناسی - دکتر علی محمد حق شناس - نشر آگاه - چاپ دوم - تهران ۱۳۶۹.
- سیر زبان‌شناسی - دکتر مهدی مشکوة‌الدینی - دانشگاه فردوسی مشهد - چاپ اول ۱۳۷۳.
- مقدمات زبان‌شناسی - دکتر مه‌ری باقری - انتشارات دانشگاه پیام نور - ۱۳۷۵.

روش‌های تدریس پیشنهادی

- روش واحد کار
- روش مقایسه
- روش همیاری

نکات اساسی درس پانزدهم

- شرح و بسط سطح واج‌شناسی از میان سطوح سه گانه نظام زبان.
- شناخت تعریف واج و حرف، و تفاوت آن‌ها با یکدیگر.
- شناخت تعریف هجا و آشنایی صامت و مصوت.

بیان ساختمان هجا در زبان فارسی

□ برای سهولت فراگیری، در مطالعه‌ی زبان، آن را در سطوح سه گانه‌ی واج‌شناسی، دستور زبان و معناشناسی مورد مطالعه قرار می‌دهند.

ما نیز در این درس، زبان را در سطح واج‌شناسی phonology مورد مطالعه قرار می‌دهیم. واج‌شناسی بررسی نظام صوتی یک زبان است. به عبارت دیگر، واج‌شناسی عبارت است از بررسی دستگاه واجی یک زبان، یعنی شناخت واج‌های آن، چگونگی ساخت و کارکرد آن‌ها. ساختمان هجا، و فرایندهای واجی در زبان.

در زبان از صوت استفاده می‌کنیم تا درباره‌ی اشیاء پدیده‌ها و مفاهیمی که از جهان پیرامون خود در ذهن داریم، صحبت کنیم اما بین صوت و محیط رابطه‌ی مستقیم برقرار نیست. بوق اتومبیل صداست و عابری که ناگهان جلوی اتومبیل، قرار گرفته است نیز بخشی از محیط است. ولی بوق اتومبیل و هوشیار گردانیدن عابر، زبان نیست، بلکه رابطه‌ای از نوع دیگر است که با زبان تفاوت‌هایی دارد. اصوات یا واج‌های زبان، عناصر آوایی ریزی هستند که ترکیب آن‌ها از قانونمندی خاصی پیروی می‌کند دوم این که، چنانچه پیش از این گفته شد، زبان، ساختی دوگانه دارد؛ یعنی اصوات زبان مستقیماً با پدیده‌های خارج مربوط نیستند. عناصر صوتی زبان طبق قواعد خاصی تشکیل می‌یابند و واحدهای معناداری را می‌سازند که به آن‌ها کلمه یا واژه می‌گویند و این واژه‌ها نیز طبق قواعد خاصی که در زبان‌های مختلف تفاوت می‌کند باهم ترکیب می‌شوند تا واحدهای معنی دار بزرگ‌تری را بسازند. سرانجام این واحدهای معنی دار درجه‌ی دوم هستند که به پدیده‌های جهان خارج و مفاهیم ذهنی ما دلالت می‌کنند یا با آن‌ها رابطه‌ی معنایی برقرار می‌کنند.

مطالعه‌ی اصوات یا واج‌های زبان و قواعد حاکم بر آن‌ها در حوزه‌ی آواشناسی قرار می‌گیرند (آواشناسی در مفهوم وسیع کلمه به طوری که واج‌شناسی را نیز شامل می‌شود).

■ واج «phoneme»: هر یک از آواهای متمایز کننده‌ی معنی در زبان («واج» نامیده می‌شود).

● واج عبارت است از کوچک‌ترین واحد صوتی یک زبان که اندام‌های گفتار گویندگان آن زبان، امکان تلفظ آن را در اختیار گویشوران آن قرار می‌دهد.

○ واج عبارت است از کوچک‌ترین واحد صوتی ممیز معنی که از تقطیع دوم زبان به دست می‌آید.

○ کوچک‌ترین واحد ممیز معنی که از تجزیه‌ی دوم زبان به دست می‌آید واج نام دارد.

■ تفاوت واج و حرف

واج نام کوچک‌ترین واحد ملفوظ و گفتاری زبان است و صورت گفتاری زبان با صورت نوشتاری آن اندکی تفاوت دارد و کوچک‌ترین واحد نوشتاری زبان حرف نامیده می‌شود؛ بنابراین حرف گونه‌ی نوشتاری واج است به عبارت دیگر حرف به اعتبار خط است و «واج» به اعتبار زبان. یک واج الزاماً معادل یک حرف نیست؛ مثلاً گویندگان زبان فارسی یک واجگاه تلفظ واج / h / دارند ولی این واج در نوشتن دو علامت دارد که عبارتند از «هـ» و «ح» که هر یک از آن‌ها یک حرف نامیده می‌شوند یا مثلاً چهار شکل ز - ذ - ض - ظ - در فارسی یکسان تلفظ می‌شود در حالی که چهار حرف متفاوت است.

همچنین است حرف‌های: س، ث، ص، که هر سه، گونه‌ی نوشتاری یک واج «س» در زبان فارسی هستند. یکی از دلایل غلط‌های املائی نوآموزان، همین یکسان تلفظ شدن حرف‌های گوناگون است.

مانند غم - قم یا صواب - ثواب

زبان شناسان هنگام نوشتن واج‌ها با حروف الفبا آن‌ها را در این نشانه / / قرار می‌دهند تا از حروف معمولی در نوشتار عادی باز شناخته شوند. حروف معمولی را هم عموماً درون علامت « » می‌آورند.

○ بین حروف الفبا در نوشتار و واج‌های زبان در گفتار رابطه‌ی یک به یک وجود ندارد. زیرا نوشتار بر اثر تحولات تاریخی زبان از گفتار فاصله گرفته است. به این دلیل گاه به ازای یک واج، دو یا چند حرف در نوشتار وجود دارد.

گاه ممکن است در یک زبان، برای واج معینی، هیچ حرف مشخصی در نوشتار آن زبان وجود نداشته باشد در نتیجه اگر بخواهند آن واج را در نوشتار نشان دهند، باید فکر دیگری کنند چنان که برای واج دوم در کلمه‌ی / رفت / هیچ حرفی در الفبای فارسی نداریم؛ ناگزیر اگر بخواهیم آن را در نوشتار نشان دهیم باید از نشانه‌های حرکتی / َ / / ِ / استفاده کنیم تا با «رُفت» اشتباه نشود.

تعداد واج‌ها در زبان‌های گوناگون متفاوت است؛ مثلاً، زبان فارسی ۲۹ واج دارد که به ۶ مصوت و ۲۳ صامت تقسیم می‌شوند.

هجا (syllable) زبان‌شناسان تعریف‌های متعددی از هجا کرده‌اند. احتمالاً علت اصلی این تعدد تعریف‌ها، اختلاف ساختمان هجا در زبان‌های مختلف و گوناگونی شیوه‌های تکوین هجا در زبان‌های متفاوت است. به طور کلی می‌توان گفت «هجا» (syllable) کوچک‌ترین مجموعه‌ی واجی است که از ترکیب چند واج حاصل می‌شود و می‌توان آن را در یک دم زدن، بی‌فاصله و قطع ادا کرد. هر گفتاری از یک رشته هجاهای متوالی و بی‌دربی تشکیل می‌یابد. در زبان فارسی هجا به بخشی از زنجیر گفتار اطلاق می‌شود که از ترکیب یک واکه (مصوت) یا یک یا دو یا سه همخوان (صامت) تشکیل شده باشد. واج‌ها به دو دسته‌ی مصوت (vowel) (واکه) و صامت (consonant) (همخوان) تقسیم می‌شوند.

صامت

به آن دسته از اصوات گفتار که در ادای آنها جریان هوا پس از عبور از تار آواها در نقطه‌ای از حفره‌ی دهان در فاصله‌ی میان گلو و لب‌ها با مانعی برخورد کرده و در برابر آن سدّی ایجاد شود یا با فشار از تنگنایی بگذرد و یا مسیر حرکتش تغییر کند و به عبارت دیگر وضعیّت حفره‌ی دهان و اندام‌های گفتار پس از عبور هوای بازدم از حنجره و قبل از خروج آن از لب‌ها تغییر یابد و در نتیجه آوای تازه‌ای بدان افزوده گردد صوت پدید آمده را «صامت» یا همخوان (consonant) می‌نامند.

ب پ ل - ن

مصوت

صوتی که در حنجره به کمک لرزش تار آواها ایجاد می‌شود، اگر در گذار خود از اندام‌های گویایی به مانعی برخورد که در نتیجه‌ی آن آوای تازه‌ای بدان افزوده شود و وضعیّت حفره‌ی دهان از هنگامی که هوای بازدم با تار آواها برخورد می‌کند تا خروج آن از دهان به یک شکل حفظ شود، این صوت را «واکه» یا «مصوت» (vowel) می‌نامند. می‌نامند. مصوت‌ها بر دو نوعند: کوتاه و بلند.

ساختمان هجا در زبان فارسی

هر هجا از ترکیب یک مصوت و یک یا چند صامت تشکیل می‌یابد. ساختمان هجا در زبان فارسی بر حسب این که یک هجا از ترکیب یک مصوت بلند یا کوتاه با یک یا دو یا سه صامت تشکیل شده باشد و ترتیب و توالی این صامت‌ها به چه صورتی باشد، شش نوع هجا به شرح زیر وجود دارد:

- ۱- صامت + مصوّت کوتاه ؛ مانند که - نه - به CV
 - ۲- صامت - مصوّت بلند ؛ مانند پا - مو - بی CV
 - ۳- صامت + مصوّت کوتاه + صامت ؛ مانند گل - دل CVC
 - ۴- صامت + مصوّت بلند + صامت ؛ مانند مور- پیر CVC
 - ۵- صامت + مصوّت کوتاه + صامت + صامت ؛ مانند پشت - کرد CVCC
 - ۶- صامت + مصوّت بلند + صامت + صامت ؛ مانند باخت - دوخت CVCC
- می‌بینیم که کلیه‌ی هجاها با صامت شروع می‌شوند. در زبان فارسی هیچ هجایی نیست که با مصوّت شروع شود ؛ پس واج اوّل هر هجا صامت است.
- در کلماتی مانند اُردک - ایران و نظایر آن قبل از مصوّت یک همزه تلفّظ می‌شود.
- هم چنین می‌بینیم که واج دوم هر هجا مصوّت است ؛ بنابراین هیچ یک از هجاهای فارسی با دو صامت شروع نمی‌شوند. (به سخن دیگر ابتدا به ساکن در زبان فارسی نیست)
- سوّمین واج هر هجا صامت است ؛ بنابراین در کلمات فارسی دو مصوّت پیاپی وجود ندارد. در هجاهای زبان فارسی، پس از مصوّت بیش از دو صامت در کنار هم نمی‌آیند.^۱

خلاصه‌ی درس پانزدهم

- برای سهولت فراگیری در مطالعه‌ی زبان آن را در سه سطح واج‌شناسی، دستور زبان و معناشناسی مورد بررسی قرار می‌دهند.
- واج‌شناسی بررسی نظام صوتی یک زبان است.
- واج، آوایی است که می‌تواند در یک ساخت آوایی، جانشین آوای دیگری شود و آن ساخت را به ساخت دیگری تبدیل کند.
- حرف، گونه‌ی نوشتاری واج است. «حرف» به اعتبار خط است و «واج» به اعتبار زبان.
- برای نشان دادن واج از علامت / / و برای نشان دادن حرف از علامت « » استفاده می‌شود.
- هجا کوچک‌ترین مجموعه‌ی واجی است که از ترکیب چند واج حاصل می‌شود و می‌توان آن را در یک دم زدن، بی فاصله و قطع ادا کرد.
- واج‌های زبان به دو دسته‌ی مصوّت و صامت تقسیم می‌شوند.

۱- علامت «C» نشانه‌ی اختصاری صامت (consonant) و «V» نشانه‌ی اختصاری مصوّت (vowel) است.

- ساختمان هجا در زبان فارسی به شش دسته تقسیم می‌شود.
- کلیه‌ی هجاها با صامت شروع می‌شود.
- در کلماتی مانند آسمان و اُردک و نظایر آن، قبل از مصوّت، یک همزه وجود دارد.
- سوّمین واج هر هجا صامت است و در کلمات فارسی دو مصوّت پیاپی وجود ندارد.
- بعد از هر مصوّت بیش از دو صامت در کنار هم نمی‌آیند.

خلاصه‌ی بیاموزیم

جملاتی که دارای ابهام باشند و معانی متفاوتی از آنها استنباط شود دارای کژتابی هستند؛ باید جملات را به گونه‌ای بنویسیم که دقیقاً مقصود را به روشنی بیان کند.
 مثال: آن‌ها سه خواهر و برادر هستند. (جمله دارای کژتابی است)
 آنها سه خواهر و یک برادر هستند. (جمله روشن و بدون ابهام)

* پاسخ خودآزمایی‌های درس پانزدهم

- ۱- دانش: دو هجا و ۵ واج دارد.
 - آسمان: ۲ هجا و ۶ واج دارد.
 - آسمان: ۳ هجا و ۷ واج دارد.
 - نغز: یک هجا و ۴ واج دارد.
 - کاشانه: ۳ هجا و ۶ واج دارد.
 - مهربان: ۲ هجا و ۷ واج دارد.
 - مهربان: ۳ هجا و ۸ واج دارد.
 - یادگار: ۲ هجا و ۶ واج دارد.
 - یادگار: ۳ هجا و ۷ واج دارد.
- «کلماتی مانند آسمان، مهربان و یادگار دو تلفظی هستند.»
- ۲- مجموعه‌ی حرف‌های یک واجی شامل شش گروه است:
- گروه ۱: حرف‌های ا (همزه‌ی آغاز)، مانند اجرا، عدل و ء (همزه‌ی میانی و پایانی) و (ع) با واج مشترک /ء/ (همزه)

مانند : رأی، جمع

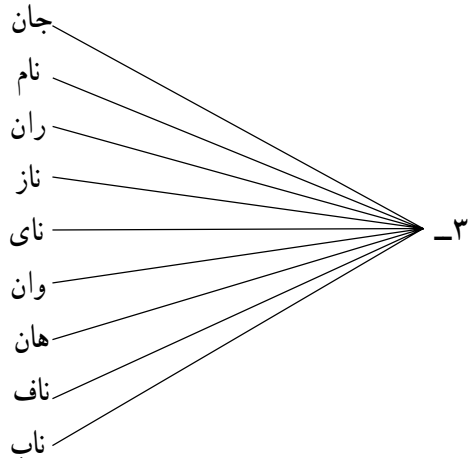
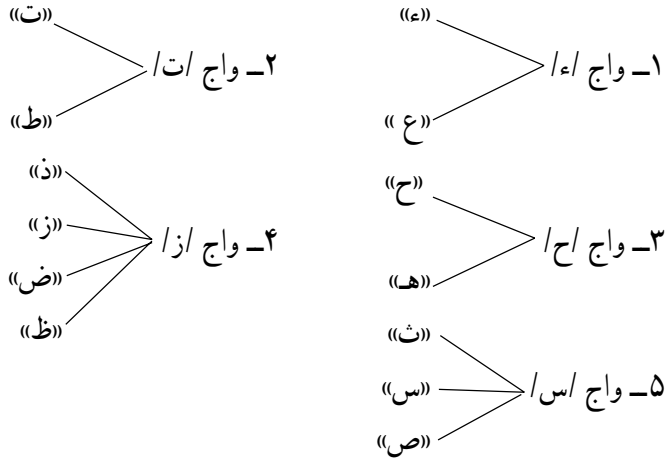
گروه ۲ : حرف‌های «ت و ط» با واج مشترک /ت/ نبات - نشاط

گروه ۳ : حرف‌های «ث، س و ص» با واج مشترک /س/ مانند : ثنا، سما، صفا

گروه ۴ : حرف‌های «ح و هـ» مانند : حامد - هاشم

گروه ۵ : حرف‌های «ذ، ز، ض و ظ» با واج مشترک /ز/ مانند : ذره، زاهد، ضرب، ظاهر

گروه ۶ : حرف‌های «غ و ق» با واج مشترک /ق/ یا /غ/ مانند : غافل و قابل.



۴- الف) آن کسی که از در وارد شد، برادر ابراهیم و دانشجوست.

ب) آن دانشجو که از در وارد شد، برادر ابراهیم است.

ج) برادر ابراهیم که دانشجوست، از در وارد شد.

- (د) ابراهیم، همان کسی که از در وارد شد، برادرش دانشجو است.
- (الف) به دوست همسایه‌ام، سلام کردم.
- (ب) به دوستی که همسایه‌ی ماست، سلام کردم.
- (الف) دو فعل معلوم و یک مجهول بنویسید.
- (ب) دو فعل معلوم و دو فعل مجهول بنویسید.
- (الف) علی و خواهرش دانشجو نیستند.
- (ب) خواهر علی دانشجو است اما علی دانشجو نیست.
- (الف) پدر و مادر سعید معلم هستند؛ او با آن‌ها برگشت.
- (ب) سعید با پدر و مادر معلم خودش برگشت.
- (ج) سعید با پدرش (که معلم نیست) و مادرش (که معلم است) برگشت.

* خودآزمایی‌های نمونه

- ۱- زبان شناسان به دلیل زبان، آن را به طور یک جا مطالعه نمی‌کنند.
- ۲- زبان شناسان زبان را در سطح مطالعه می‌کنند.
- ۳- زبان شناسان بخش دستور را به دو بخش صرف و تقسیم می‌کنند.
- ۴- هر یک از صداهای کلمه را می‌گویند.
- ۵- واج، آوایی است که می‌تواند در یک جانشین آوای دیگری شود.
- ۶- در نوشتار، هر واج را با نشانه‌ی نشان می‌دهند.
- ۷- واج‌ها آواهای زبان و حروف، نشانه‌های آن‌ها هستند.
- ۸- بین حروف الفبا و واج‌های زبان رابطه‌ی وجود ندارد.
- ۹- از ترکیب واج‌های زبان، ساخت‌های آوایی به وجود می‌آید.
- ۱۰- واج‌های زبان به دسته تقسیم می‌شوند.
- ۱۱- زبان فارسی واج دارد.
- ۱۲- کلمات تک هجایی فقط از تشکیل می‌شوند.
- ۱۳- در زبان فارسی کلمات دو هجایی به بالا به کمک یک، نشاندار می‌شوند.
- ۱۴- از ترکیب ساخت‌های آوایی هجا، ساخته می‌شود.
- ۱۵- با ذکر یک مثال بنویسید که ساخت آوایی جمله چگونه ساخته می‌شود؟
- ۱۶- وضعیت ارتباط واج‌ها و حروف در زبان فارسی چگونه است؟

۱۷- نقش کلمات را در جملات زیر تعیین کنید :

■ در نوشتار هر واجی را با یک حرف الفبا نشان می‌دهند.

■ گاه نیز به ازای چند واج فقط یک حرف در نوشتار وجود دارد.

■ هنگام مراجعه به منابع، همواره منابعی را انتخاب کنید که از نظر علمی تازه، دقیق، روشمند

و مستند باشد.